

۱۳۱۹۸۱۹

جایزه صلح نوبل

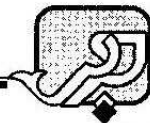
و

برندگان نامی

جلد چهارم

گردآورنده و مترجم:

علی بخشی



نشر حریر

بخشی، علی / ۱۳۳۱ - گردآورنده، مترجم	سرشناسه:
جایزه صلح نوبل و برندگان نامی جلد چهارم،	عنوان و نام پدیدآور:
گردآورنده و مترجم: علی بخشی.	مشخصات نشر:
تهران، نشر حریر، ۱۳۹۴.	مشخصات ظاهری:
۶۸۰ ص. مصور (بخشی رنگی)، جدول، عکس، نمودار (رنگی).	شابک دوره:
ISBN 978-964-2870-39-4	شابک:
ISBN 978-964-2870-45-5	وضعیت فهرست‌نویسی:
فیبا.	یادداشت:
ج. ۱ - ۶ (چاپ اول، ۱۳۹۴) (فیبا).	موضوع:
جایزه‌های نوبل.	موضوع:
برندگان جایزه نوبل -- سرگزشتنامه.	موضوع:
صلح -- جایزه‌ها.	رده‌بندی کنگره:
۱۳۹۳ ب ۳۳ ن ۹۱۱۹ AS	رده‌بندی دیویی:
۰۰۱/۴۴	شماره کتاب‌شناسی ملی:
۳۶۹۹۰۱۵	

جایزه صلح نوبل و برندگان نامی

جلد چهارم

گردآورنده و ترجمه: علی بخشی

انتشارات حریر

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپخانه حیدری: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت دوره: ۳۰۰.۰۰۰ تومان



نشر حریر

میدان انقلاب، ضلع جنوب‌شرقی، روپروی سینما بهمن.

تالار بزرگ کتاب، شماره ۱۹ تلفن: ۶۶۹۶۵۲۲۶ - ۶۶۴۱۶۹۶۱

جایزه صلح نوبل و برندگان نامی

مجله چهارم: برندگان نامی - گردآوری، ترجمه و تالیف: علی بخشی

حروف چنان: علی بخشی و مینا کامونی

بکاران تایپ: سعیده عبدلی، علیرضا رجعی، راضیه عطاء الهی

تهیه و تنظیم نامنامه: آید سروش، مایکاری کیریامادی، فاطمه توکلی، فاطمه امیری

سایر بکاران: دکتر بهرام مقدادی، دکتر سعید مددی اجاق، دکتر سیده زهرا اجاق، مهندس فیثو سعیدی، مهندس

محمدرضا شفیعی، استاد علی اصغر محمدامینی، فرخنده، فاطمه و محمداجاق، حماد حقجو، اعظم اسدی ایازی، آقای حمید مرادی،

بانوشاه علی و فاطمه امیری

بایسکرار: محمد حسن، ملکه، بهار و بهرنک بخشی

فهرست

۱۱	دیباجه
	جایزه صلح نوبل ۱۹۰۱: هنری دونان و فردریک پاسی
۲۵	اشاره
۲۷	مراسم اعطای اولین جایزه صلح نوبل
۲۹	ژان هنری دونان در یک نگاه
۲۹	زندگینامه ژان هنری دونان
۳۳	کتابنامه برگزیده
۳۵	فردریک پاسی - زندگینامه
۳۷	کتابنامه برگزیده
۳۹	تصاویر
	جایزه صلح نوبل ۱۹۰۲: الی دوکومون و شارل آلبر گوبا
۴۹	اشاره
۵۱	الی دوکومون: خطابه نوبل، اثبات بهبودگی جنگ به گواهی تاریخ
۶۶	تصاویر
	جایزه صلح ۱۹۰۳: ویلیام رندل کریمر
۷۱	خوشامدگویی توسط یورگن گونارسون آلوان، رئیس کمیته نوبل
۷۲	توضیح
۷۲	ویلیام رندل کریمر: زندگینامه
۷۴	کتابنامه برگزیده
۷۶	تصاویر
	جایزه صلح ۱۹۰۵: برتا فون زوتتر
۸۱	اشاره
۸۳	مقدمه: توسط بیورنستین بیورنسون
۸۴	برتا فون زوتتر - سخنرانی معرفی یورگن گونارسون آلوان، رئیس کمیته نوبل
۸۷	زندگینامه
۹۰	کتابنامه برگزیده
۹۳	برتا فون زوتتر، خطابه نوبل: سیر تحول جنبش صلح
۱۰۱	تصاویر
	جایزه صلح نوبل ۱۹۰۸: کلاس پونتوس آرنولدسون و فردریک بایر
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	کلاس پونتوس آرنولدسون: زندگینامه

- ۱۱۱ کتابنامه برگزیده
- ۱۱۲ فردریک بایر - زندگینامه
- ۱۱۵ کتابنامه برگزیده
- ۱۱۶ فردریک بایر - خطابه نوبل: سازمان جنبش صلح
- ۱۲۳ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۱۹: وودرو ویلسن
- ۱۲۷ توضیح مترجم
- ۱۲۸ وودرو ویلسن: زندگینامه
- ۱۳۱ کتابنامه برگزیده
- ۱۳۳ وودرو ویلسن، سخنرانی پذیرش: آلبرت جی شمدمن، سفیر آمریکا در نروژ
- ۱۳۶ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۲۰: لئون ویکتور اگوسته بورژوا
- ۱۴۱ زندگینامه
- ۱۴۴ کتابنامه برگزیده
- ۱۴۵ لئون بورژوا، خطابه نوبل: پیام به کمیته نوبل: دلایل ایجاد جامعه ملل
- ۱۵۹ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۲۱: کارل یالمار برانتینگ و کریستین لوس لانگه
- ۱۶۳ کریستین لوس لانگه، زندگینامه
- ۱۶۷ یالمار برانتینگ، زندگینامه
- ۱۷۰ کتابنامه برگزیده
- ۱۷۳ یالمار برانتینگ، خطابه نوبل: برادری میان ملت ها
- ۱۸۲ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۲۲: فریتوف ناسن
- ۱۸۷ فریتوف ناسن: زندگینامه
- ۱۹۱ کتابنامه برگزیده
- ۱۹۴ فریتوف ناسن - سخنرانی معرفی: فردریک استانگ، رئیس کمیته نوبل
- ۲۰۴ فریتوف ناسن - خطابه نوبل ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲: مردم دردمند اروپا
- ۲۱۹ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۲۵: سر اوستن چیمبرلین و چارلز گیتس دوز
- ۲۲۵ سر اوستن چیمبرلین، زندگینامه
- ۲۲۹ کتابنامه برگزیده
- ۲۳۰ نامه پذیرش جایزه توسط چیمبرلین
- ۲۳۱ چارلز گیتس دوز، زندگینامه
- ۲۳۵ کتابنامه برگزیده

۲۳۷	سخنرانی معرفی توسط فریتسوف ناتسن، دهم دسامبر ۱۹۲۶
۲۵۱	تصاویر
۲۵۵	جایزه نوبل صلح ۱۹۲۶، آریستید بریان و گوستاو اشترومان
۲۶۱	گوستاو اشترومان، زندگینامه
۲۶۷	آریستید بریان، زندگینامه
	تصاویر
۲۷۳	جایزه نوبل صلح ۱۹۲۷: فردینان بوئیسون و لوتویش کویده
۲۷۷	فردینان بوئیسون - زندگینامه
۲۸۵	لوتویش کویده - زندگینامه
۳۱۵	فردینان بوئیسون، خطابه نوبل: دیگر گونی های مفاهیم جنگ و صلح
	تصاویر
۳۲۱	جایزه صلح نوبل ۱۹۲۹: فرنک یلینگر کلاگ
۳۳۵	فرنک یلینگر کلاگ، زندگینامه
۳۳۶	کتابنامه برگزیده
۳۳۲	سخنرانی معرفی توسط یوهان لودویگ موبنکل، عضو کمیته نوبل - ۱۰ دسامبر ۱۹۳۰
۳۳۷	فرنک بی کلاگ نطق پذیرش
۳۴۱	فرنک بی کلاگ، سخنرانی ضیافت
	تصاویر
۳۴۵	جایزه صلح نوبل ۱۹۳۳: سر نورمن اینجل (الف لین)
۳۴۹	سر نورمن اینجل، زندگینامه
۳۵۶	سخنرانی معرفی توسط کریستیان لوس لانگه، عضو کمیته نوبل، ۱۰ دسامبر ۱۹۳۴
۳۸۰	خطابه نوبل: صلح و افکار عمومی، ۱۲ ژوئن ۱۹۳۵
	تصاویر
۳۸۳	جایزه صلح نوبل ۱۹۳۴: آرتر هندرسن
۳۸۶	زندگینامه
۳۸۷	کتابنامه برگزیده
۳۹۳	سخنرانی معرفی - یوهان لودویگ موبنکل عضو کمیته نوبل، ۱۰ دسامبر ۱۹۳۴
۴۱۰	آرتر هندرسن، خطابه نوبل: عناصر اساسی صلح جامع و پایدار، ۱۱ دسامبر ۱۹۳۴
	تصاویر
۴۱۳	جایزه صلح نوبل ۱۹۳۵: کارل فون اوسیتسکی
۴۱۷	زندگینامه
	کتابنامه برگزیده

- ۴۱۸ سخنرانی معرفی توسط فردریک استلنگ، رئیس کمیته نروژی نوبل، ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶
- ۴۲۲ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۳۶: کارلوس سائودرا لاماس
- ۴۳۱ کارلوس سائودرا لاماس، زندگینامه
- ۴۳۴ کتابنامه برگزیده
- ۴۳۵ سخنرانی معرفی توسط کریستیان لوس لانگه، عضو کمیته نوبل - ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶
- ۴۴۵ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۳۷: لرد ادگر الچرن رابرت گسکوین بیسل
- ۴۴۹ اشاره
- ۴۵۰ سخنرانی معرفی توسط کریستیان لوس لانگه، عضو کمیته نوبل - ۱۰ دسامبر ۱۹۳۷
- ۴۶۳ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۴۵: کدول هال
- ۴۶۸ اشاره
- ۴۶۹ زندگینامه
- ۴۷۲ کتابنامه برگزیده
- ۴۷۳ سخنرانی معرفی توسط گونار یان، رئیس کمیته نوبل، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۵
- ۴۸۱ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۴۶: امیلی گرین بالچ و جان راله مات
- ۴۸۷ اشاره
- ۴۸۸ جایزه صلح نوبل ۱۹۴۶ - امیلی گرین بالچ، زندگینامه
- ۴۹۱ کتابنامه برگزیده
- ۴۹۲ جایزه صلح نوبل ۱۹۴۶ - امیلی گرین بالچ، نامه پذیرش
- ۴۹۳ امیلی گرین بالچ، سخنرانی معرفی - گونار یان، رئیس کمیته نوبل، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶
- ۵۰۱ خطابه نوبل هفتم آوریل ۱۹۴۷: پیش به سوی وحدت بشر یا فراسوی ملیت گرایی
- ۵۲۳ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۴۹: جان بوید اور
- ۵۲۵ زندگینامه
- ۵۲۹ کتابنامه برگزیده
- ۵۲۹ سخنرانی مراسم اعطا و معرفی: گونار یان، رئیس کمیته نوبل
- ۵۳۹ جایزه صلح نوبل ۱۹۴۹ - جان بوید اور، خطابه نوبل، ۱۲ دسامبر ۱۹۴۹: دانش و آرامش
- ۵۵۴ تصاویر
- جایزه صلح نوبل ۱۹۵۰ - رالف بانچ
- ۵۵۷ زندگینامه
- ۵۶۲ کتابنامه برگزیده

۵۶۳	سخنرانی معرفی: گوناریان رئیس کمیته نوبل
۵۷۱	جایزه صلح نوبل ۱۹۵۰ - رالف بانچ، خطابه نوبل: تأملاتی دربارهٔ صلح در عصر ما
۵۸۶	تصاویر
	جایزه صلح نوبل ۱۹۵۱: لئون ژونو
۵۸۹	زندگی‌نامه
۵۹۳	کتابنامه برگزیده
۵۹۵	سخنرانی مراسم اعطای گوناریان، رئیس کمیته نوبل
۶۰۳	لئون ژونو، خطابه نوبل: پنجاه سال فعالیت اتحادیه کارگری به نفع صلح
۶۱۳	تصاویر
	جایزه صلح نوبل ۱۹۵۲: آلبرت شوابنر
۶۲۵	زندگی‌نامه
۶۲۷	کتابنامه برگزیده
۶۲۹	سخنرانی معرفی: گوناریان، رئیس کمیته نوبل
۶۴۱	دکتر آلبرت شوابنر، خطابه نوبل، ۴ نوامبر ۱۹۵۴: مشکل صلح
۶۵۵	تصاویر



دیباچه

سپاس خداوندی را که بر ژرفای نیاتِ بندگانش بصیر است و درود بر انسان های نیکوکار و ایثارگری که سعادت خود را در سعادت و آرامش دیگران می دانند؛ هستی خویش وقف آرامش ابنای بشر و رفع حاجت مستحق نمایند و گره از کار فرو بسته خلق می گشایند.

رهپویان راه نیکوکاری و خادمان بی مزد و منتِ آدمیان و عاجلان در امر خیر، احسان و عاقبت اندیشی، و چشم پوشندگان از مال و جاه جهان و گزینشگرانِ راه خدمت به هموع، به آرامش ابدی و آسایش وجدان، کالایی معنوی که تعیین بهایی بر آن متصور نیست، دست می یابند. زندگی آنان با آرامش طلبی و صلحدوستی عجین شده با چشم پوشی از قدرت، ثروت، جاه و لذات زودگذر مادی، نودوستی را ملیس به محبت واقعی می کنند و به برادری مفهومی عملی می بخشند؛ به امور مردم اهتمام می نمایند و به قله سرآمد اعمال خردمندان صعود می کنند؛ مردم از آنان مستفیع می شوند، و به فرموده خاتم رسل بهترین و محبوب ترین افراد در نزد پروردگارند.

افراد بشردوست، صلح طلب، نیکوکار و فرهنگ دوست واجد اندیشه ای والایند، وجودشان در حظی اثری و مالا مال از محبت ناب غرق، زحمتشان در ژرفای لذت دریای بیکرانِ آرامشِ روحی بی مثال به رحمت و آسایش تبدیل می شود، خوشا به سعادت جاودانشان. گرچه چنین انسان هایی نادرند، اما از زمان های دور در تمام جوامع بشری وجود داشته و دارند.

«هنگام فتح شوش در بقعه دانیال نبی سندی به دست آمد که در آن گنجی برای وام های بدون بهره (قرض الحسنه) اختصاص یافته بود. ... خلیفه دستور داد طبق دستور مندرج در سند عمل شود.»^۱

انجام کار نیک یکی از مسائل اجتماعی است و تاریخ شروع آن به آغاز زندگی اجتماعی بشر باز می گردد، و تا زمانی که جامعه مآل اندیش و انسان خردمندی در جهان باشد، نیکوکاری و صلح طلبی برای مردمان و فداکاری برای تحقق و گسترش برادری وجود خواهد داشت. همه جوامع بشری، مذاهب و آئین ها این کارهای نیک را تأیید و تحسین کرده اند؛ به ویژه در احادیث، اخبار و روایات شرع مقدس ما نیز به وفور درباره آن بحث شده که مهر تأییدی است بر تلاش های نیک خردمندان بشردوست.

^۱ عبدالحسین سپنتا، تاریخچه اوقاف اصفهان، نشریه اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶ ص ۲۷۴

کسانی که با گلستان ادب ایران آشنا باشند نثر و شعر بسیاری در زمینه های انساندوستانه خوانده اند. به فرموده شیخ شیراز «عبادت بجز خدمت خلق نیست» و جای دیگر بنی آدم را به اعضای یک پیکر تشبیه نموده فرماید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بیغمی
نشاید که نامت نهند آدمی

و یا حکایت قحط سالی دمشق در باب اول بوستان همیشه سرسبز شیخ اجل که غم بینوایان رخ یک خداوند جاه و زر و مال را زرد کرده است! و حافظ شیرین سخن که پارا فراتر نهاده فرماید «از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک؛ و شاعری از دوران معاصر چه نغز سروده که:

«یک دلشکسته اگر که دعاگویتان شود به زانکه خود نشسته و عـمری دعا کنید!»
و ... اصولاً انسان های صاحب اندیشه بلند، نیکخواهی، فرهنگ پروری و بشردوستی انگیزه والا و بالایی برای خدمت به نیازمندان و کلاً هموعان خود، و چه بسا موجودات دیگر و طبیعت دارند. آنان واله شیدا و شیفته آرامش، تعالی و سعادت افراد جامعه هستند، پس گزاف نیست اگر بگوئیم وظیفه آحاد جامعه تشویق نیکوکاری، خیرخواهی و ترویج محبت و برادری در جوامع بشری است.

در کتاب چهارم مجموعه حاضر در چند بخش مجزا به معرفی صلح طلبان، بشردوستان و خادمان انسان در یکصد و چهارده سال گذشته پرداخته ایم. در دوران تدوین، تألیف و ترجمه این کتاب ها بارها به این انسان ها و توان معنوی، خصلت نوع دوستی، محبت خارق العاده آنان به آدمیان و قرار گرفتن همه این ویژگی ها و الطاف الهی در خدمت بی مزد و منت به خلق الله به حیرت فرو رفته از خود می پرسیدم چگونه چنین فداکاری هایی ممکن می شود؟! چه عواملی نیرو و عشق بی پایانی جهت خدمت به آشنا و بیگانه و تحمیل محرومیت به خویشان را به چنین نیکانی هبه کرده است؟! و پس از قدری غور و فرو رفتن به اندیشه و محاسبه رفتار و کارنامه خویش جز شرمساری چیزی عایدم نمی شد، اما امیدوارم فیض روح القدس باز مدد فرماید تا ما نیز در این وادی مشحون از لذات معنوی گامی بزنیم و امیدوارم تنظیم این دوره از کتاب ها مدخل چنین آرمان بزرگی باشد، ان شاء الله.

اکنون نگاه مجملی به چند نمونه از از این انسان های واقعی، اما خارق العاده می اندازیم تا شاید شما خوانندگان نیز با بنده همسفر منزل لیلی شوید و شرط اول قدمش را به جان بپذیرید. سوداگر متمدنی در طی سفری تجاری با صحنه های دلخراش به جای مانده از جنگی خونین مواجه شده دگرگون و متحول می شود. او با همکاری روستائیان اطراف به مراقبت و پرستاری از سربازان مجروح و در حال مرگ از هر دو سپاه می پردازد.

بعد به تیمچه خویش بازگشته از تجارت دست شسته کتابی درباره مشاهدات دلخراش خویش می نویسد، تجارت را رها کرده از دیار خویش گریزان شده سرگردان و مدتی کارتن خواب می شود! پس از مدتی در نوانخانه ای مسکن می گیرند. کتاب کوچک او چنان اثرگذار است که سبب پرورش نطفه صلیب سرخ می شود. مردم او را به کلی فراموش می کنند. بعد از مدتی طولانی روزنامه نگاری به طور اتفاقی او را در نوانخانه مزبور می یابد. دوباره بر سر زبان ها می افتد و رسانه های وقت وی را پدر و بنیانگذار صلیب سرخ معرفی می کنند. جوایز ارزشمندی به او تعلق می گیرد. یکی از هفت نفرین این جوایز، نخستین جایزه صلح نوبل سال ۱۹۰۱ می باشد که به بازرگان صاحب نام قدیم و مرد تهی دست نوانخانه زی آن روز تعلق می گیرد! این انسان والا دیناری از مبالغه گفت جوایز متعلقه را هزینه خود نکرده همه آن را به مؤسسات خیریه می بخشد! و به اطلاق محقر نوانخانه باز می گردد، در آنجا به حیات دشوار خویش ادامه می دهد و با پایان عمر جان به جان آفرین تسلیم می کند. او کسی نیست مگر هانری دونان، بنیانگذار صلیب سرخ، سازمانی که همه می دانیم در ایام سخت و عسرت جهان چه خدمات نایمندی به بشریت ارائه کرده است. آنچه گفتیم نه افسانه بلکه حقیقت محض و یک از هزاران بود. چنین چیزی چگونه ممکن می شود؟!



هانری دونان پدر معنوی و بنیانگذار کمیته بین المللی صلیب سرخ

نمونه ای دیگر: کودکی در خانواده ای اشرافی به دنیا می آید؛ در رشته زیست شناسی تا سطح دکترای تحصیل می کند. مانند بودا از اشرافیت کناره می گیرد و به خدمت بی پناهان، اسرا، پناه جوین و قحطی زدگان کمر همت می بندد. اسباب بازگرداندن بیش از سیصد هزار اسیر جنگی را فراهم می کند. بی وقفه برای قحطی زدگان کشور دیگری که مغضوب کشورهای سرمایه داری غربی است، یعنی شوروی، تلاش می کند و بیش از بیست هزار نفر از قحطی زدگان را از مرگ حتمی نجات می دهد. او خستگی را نمی شناسد. هنوز از کار قحطی زدگان فارغ نشده به رتق و فتق امور پناه جوین بی پناه کمر همت می بندد. با انتشار گذرنامه ای جهانی موسوم به پاسپورت نانسن از طریق جامعه ملل به هزاران آواره بی نام و نشان و رانده از وطن هویت می بخشد، پناه جوین ارمنی و ترک را مبادله می کند، در مقابل همه متعصبین سیاسی استوار می ایستد. جامعه ملل (سلف سازمان ملل) او را به عنوان مأمور عالی پناه جوین منصوب می کند. همسرش به علت تلاش ها و سفر مداوم او بیش از اندازه تنها شده مجبور به متارکه می گردد. در سال ۱۹۲۲ جایزه صلح نوبل به او تعلق می گیرد. او مبلغ جایزه را تماماً صرف پناه جوین و قحطی زدگان کرده دیناری برای خود بر نمی دارد و... او با انجام امور خیر به دیگران الهام می بخشد و یکصد و سیزده سال پیش گویی ریشه های اصلی نابسامانی های جهان امروز را با بصیرتی خارق العاده بیان می کند:

« این نابسامانی ها نتیجه و حاصل شهوت قدرت، امپریالیسم و میلیتاریسم است که در اثر دیوانه شدن حاکمان سراسر گیتی، عنان اختیار را از کفشان خارج کرده است... تلاش منحوس و مذبحخانه آنان در تضییع و لگدمال کردن وحشتناک همه چیز و حق همه کس، ایجاد اختلاف ویرانگر بین طبقات اجتماعی و حتی میان خلق ها، فقط و فقط برای کسب قدرت است و لاغیر! هیچ آینده ای بر روی یأس، عدم اعتماد، نفرت و حسادت بنا نخواهد شد... به نظر بنده تنها راه نجات در همیاری بین تمام ملت ها و بر پایه تلاش صادقانه است... »



نانسن حامی قحطی زدگان و پناهجویان

خواننده باید خود حدیث مفصل را از جملات مجمل فوق بخواند. کمی بیندیشیم، چگونه چنین تحول عظیمی، آن هم در یک اشراف زاده ایجاد می شود؟!

موردی دیگر :

پسری در روستایی در هامبورگ دیده به جهان می گشاید، تحصیل می کند و به کار دولتی مشغول می شود. در اثر مطالعه به خبررسانی علاقه مند شده از کار استعفا داده به روزنامه نگاری می پردازد. در ضمن کار متوجه تسلیح مخفیانه آلمان نازی به رهبری هیتلر می شود. برای جلوگیری از ویرانگری و بدبختی های مشابه جنگ جهانی اول آن را افشا می کند، تا شاید مانع فاجعه دیگری شود. او بازداشت و به زندان و بعد به اردوگاه کار اجباری منتقل می شود. دژخیمان هیتلر با ارجاع کارهای شاق و فراتر از توان او وی را بیمار می کنند. زمزمه نامزدکردن وی برای دریافت جایزه صلح نوبل توسط آزادیخواهان و بشردوستان در سراسر جهان بر سر زبان ها می افتد. آلمان به نروژ اولتیماتوم می دهد و مسئولین اعطای جایزه را از اعطای آن، به قول هیتلر «به یک خائن وطن فروش!!» بر حذر می کنند. مردم جهان از زندانی مزبور حمایت می کنند. کمیته مجبور به اعطای جایزه به او می شود. یکی از صاحب منصبان نازی نزد او رفته از وی می خواهد در مقابل آزادی، شغل دولتی و پاداش، رسیما از پذیرش جایزه امتناع و اعلام انصراف کند اما او، مانند همه انسان های شریف، پیشنهاد رشوه را نمی پذیرد. به همین دلیل مجوز مسافرت به اسلو و اجازه دریافت جایزه به او داده نمی شود و چندی بعد به طور مشکوکی می میرد. از آن پس هیتلر طبق دستوری دریافت هرگونه جایزه نوبل توسط آلمانی ها را ممنوع و سرانجام نروژ را اشغال و عدم تمکین از دیکتاتور را تلافی می کند. راستی چگونه انسانی عطای زندگی بی دردسر دولتی را به لقایش بخشیده، پس از مرارت بسیار، جان خویش، عزیزترین دارایی خود را جهت احتمال نجات جان هموعانش از دست می دهد؟!

نمونه ای دیگر : دختری در خانواده ای کامیاب به دنیا می آید. تحصیل می کند و به درجه استادی کرسی اقتصاد و علوم اجتماعی نایل می شود. علاوه بر آن به کارهای عام المنفعه علاقه مند و عضو هیئت امنای مسائل کودکان و طراحی شهری می شود. شوق مفرطی به کمک به تنگدستان می یابد. در جنبش حق رأی زنان، برابری نژادی، کنترل و نظارت بر کار کودکان و بهبود دستمزد کارگران مشارکت می نماید و همیشه نگران و دلمشغول صلح و آرامش در جامعه است. پیشبرد هدف بزرگ و متعالی رهایی بشر از شر جنگ، آرمانی است که وی عمری تلاش و تمام دارایی و

زندگیش را وقف آن می کند؛ به همین دلیل از ازدواج منصرف می شود. بر ضد ورود آمریکا به جنگ مبارزه می نماید و چنانکه افتد و دانی به اشاره صاحب منصبان از دانشگاه محل تدریس اخراج می گردد. در سال ۱۹۴۶ برنده جایزه صلح نوبل می شود. تمام مبلغ کلان جایزه را به مؤسسات مردمی عام المنفعه اهدا می کند و به جستجوی راه حلی برای کمک رسانی به قربانیان شکنجه نازی های آلمان می پردازد. چند دهه از عمر وی در تلاش برای برقراری آرامش در میان ملت ها صرف می شود. او واجد بالاترین و والاترین کیفیات اخلاقی و انضباط کامل است. نهایتاً در کهنسالی از دنیا رفته جانش آرام می گیرد. تکوین چنین انسانی چگونه صورت می پذیرد؟!



امیلی گرین، دانشجوی دانشگاه و خادم تنگمستان که به علت مخالفت با ورود آمریکا به جنگ جهانی از کرسی استادی محروم شد!

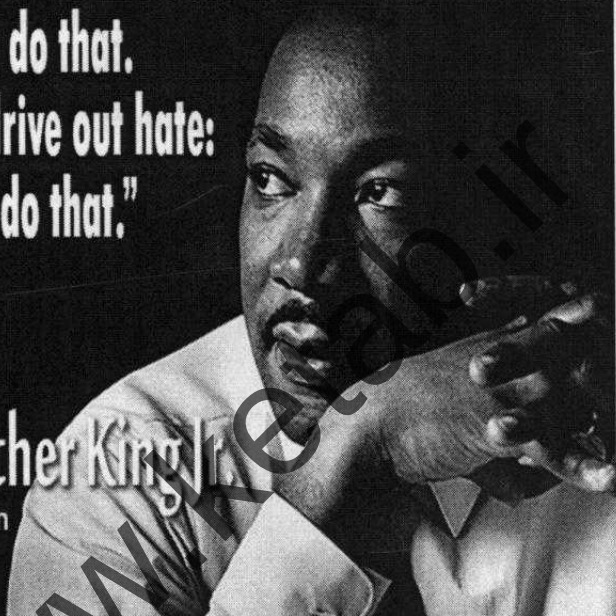


انسانی دیگر، سیاه پوستی در خانواده عالمان دین دیده به گیتی می گشاید. به مقام کشیشی می رسد. ظلم، تبعیض نژادی و ستم روا داشته شده به سیاه پوستان آمریکا را بر نمی تابد. رهبری مبارزه سیاهان ایالات متحده را بر عهده می گیرد. مبارزات مدنی را سازمان دهی کرده داهیانه از رسانه های جمعی به نفع مبارزات سیاهان استفاده می نماید. سفیدپوستان سیاه دل، کلیسای او را منفجر، خانه اش را ویران، خود و خانواده اش را تهدید به مرگ می کنند. او ذره ای ترس به خود راه نمی دهد. جدایی نژادی، که در سده هفدهم با برده داری شروع شده بود، هنگام رهبری او بیداد می کند. جنگ داخلی آمریکا آغاز می شود و پس از پیروزی سرمایه داران شمال و شکست کشاورزان جنوب به پایان می رسد. با آزادشدن میلیون ها برده سیاه پوست جامعه آمریکا وارد نبردی بی وقفه می شود. قهرمان ما سازمانی به نام «کنفرانس رهبری مسیحیان جنوب» تأسیس می کند. این سازمان به پایگاه عملیاتی قدرتمندی برای ادامه مبارزه با تبعیض نژادی تبدیل می شود. مبارزه ادامه می یابد. رهبر مبارزه تهدید به مرگ می شود، اما بدون کوچکترین هراسی به انجام وظایفش می پردازد و به رغم دعوت کاخ سفید و تقاضای همکاری از او درباره اعزام نیروی بیشتر به ویتنام، وی از آن تن زده در مخالفت با ادامه جنگ ویتنام سخنرانی می کند. در سال ۱۹۶۴ جایزه صلح نوبل به او اعطا می شود. پول هنگفت جایزه را صرف پیشبرد مبارزه سیاهان می کند. و در شامگاه چهارم آوریل ۱۹۶۸، هنگام رهبری اعتراضات سپورهای معترض توسط تک تیرانداز سفیدپوستی کشته می شود. وی شب پیش از کشته شدن مرگ خویش را احساس کرده در یک سخنرانی آن را پیش بینی کرده به آن اشاره نموده بود. چهل سال بعد از آن حادثه دلخراش یک سیاه پوست به ریاست جمهوری کشوری انتخاب می شود که زمانی سیاهان را در آن دیار لینچ می

کردند. قهرمان ما کسی نبود مگر مارتین لوتر کینگ پسر. راستی این همه مقاومت، نستوهی و استمرار بی وقفه مبارزه و جان عزیز بر سر باور نهادن چگونه قابل توصیف است؟!

**"Darkness cannot drive out darkness:
only light can do that.
Hate cannot drive out hate:
only love can do that."**

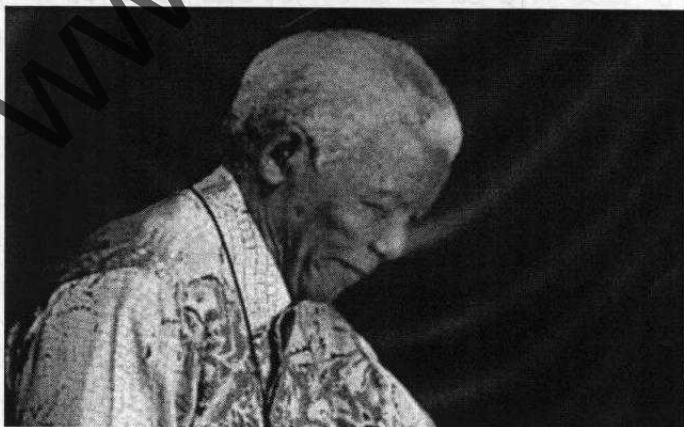
Martin Luther King Jr.
InspirationBoost.com



بشردوستی دیگر:

قهرمان بشردوست دیگری در سال ۱۹۱۸ در خانواده ای از قبیله ممفی در آفریقای جنوبی به دنیا می آید و زندگی پرمرارت خود را آغاز می کند. او بیشتر ایام کودکی را در یک مزرعه به سر می برد. به مدرسه می رود، به تحصیلاتش ادامه می دهد، و حقوقدان می شود. برای دفاع از سیاه پوستان در مقابل رژیم آپارتیهد دفتر وکالت دایر می کند. به تدریج وارد مبارزه با رژیم آپارتیهد می شود. مشی مبارزاتی او همانا شیوه مسالمت آمیز گاندی در مبارزه با انگلستان است. او تمام زندگیش را وقف مردم آفریقای جنوبی می کند. در پی نیل به جامعه ای آزاد است تا آحاد جامعه، اعم از سیاه و سفید بتوانند با فرصت های برابر در کنار یکدیگر زندگی کنند. زندانی و محکوم به مرگ می شود. شهادت یک شیرزن سفیدپوست، نبود مدارک کافی و مهمتر از همه اعتراضات

جهانی و دخالت سازمان ملل متحد باعث می شود او را با یک درجه تخفیف به زندان ابد محکوم کنند. او با عده دیگری از زندانیان به جزیره ای پرت در وسط اقیانوس، که زمانی محل نگهداری جدامیان بوده متقل می شود. با زیرکی خاصی زندان را به دانشگاه تبدیل می کند. اکثر زندانیان به صورت مکاتبه ای به تحصیل می پردازند. او مبارزه را در درون زندان هدایت کرده به هر وسیله ممکن با بیرون از زندان و رهبران مبارزه ارتباط برقرار می کند. در طی ایام حبس مادرش می میرد، اما به رغم سن قبیله او که بر اساس آن به خاک سپردن مادر و پدر وظیفه پسر بزرگ تعیین شده، به او اجازه شرکت در کفن و دفن و مراسم تشییع و تدفین داده نمی شود. پس از چندی خبر مرگ پسر بزرگش نیز به او داده می شود و باز هم مجوز حضور در مراسم سوگواری از او دریغ می شود. ... دوران حبس او بیش از ربع قرن طول می کشد. انقلاب مردم پیروز شده او پس از تشکر از زندانیان!! به خاطر پرستاری از او از زندان آزاد شده رهبر کنگره ملی آفریقا می شود. پس از برگزاری انتخابات آزاد مردمی رئیس جمهور کشور می شود. حکومتی رنگین کمانی بر پا می کند. در آن حکومت مسلمانان، هندوانه، سفیدپوستان و سیاه پوستان پست های وزارت را به دست می گیرند!! پس از پایان دوره ریاست جمهوری دیگر کاندیدای آن مقام نمی شود تا فرصت برابری برای دیگران، بویژه جوانان، فراهم کند. سپس به کار کودکان پرداخته صندوقی برای حمایت از آنان تأسیس می نماید. او در طول حیاتش بیش از یکصد جایزه می گیرد. یکی از آنها جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۳ می باشد. مبلغ کلان جوایز را صرف امور بشردوستانه می کند. او کسی جز نلسون ماندلا نیست. انسان چگونه می تواند تا این اندازه نستوه، رنؤف، صبور، فداکار و بشردوست باشد؟!



نلسون ماندلا، رهبر مبارزه با آپارتاید، نماد صلح و عدالت

یک انسان فداکار دیگر :

در سال ۱۹۱۰ دختری از پدر و مادری آلبانیایی تبار در مقدونیه چشم به جهان می‌گشاید. پس از تحصیلات دبیرستان احساس می‌کند برای خدمت به محرومین آفریده شده است. دوره ای مقدماتی دیده به کلکته هند عزیمت کرده در منطقه ای محروم در مدرسه ای دخترانه به تدریس رایگان مشغول می‌شود. پس از چند سال تدریس با مشاهده اوضاع وخیم مردم در بیرون از محل تدریس، احساس می‌کند وظیفه او خدمت به فقیرترین فقیرترین هاست. تدریس در دبیرستان را رها کرده به میان زاغه نشینان کلکته می‌رود. تلاش مجدانه خود برای خدمت رسانی به محرومان را آغاز می‌کند. با کمک خیرین جایگاهی می‌سازد که در آن بر روی فقرا، بیماران، جذامیان، بی خانمان ها و... باز است. آوازه خدمت رسانی او تا به آنجا می‌رسد که کودکان نیز به یاری او شتافته با تحریم خوردن شکر، آن را جمع کرده به این مادر می‌دهند تا به بچه هایش بدهد. مادر ترزا ازدواج نکرده اما همه او را مادر خطاب می‌کنند!!

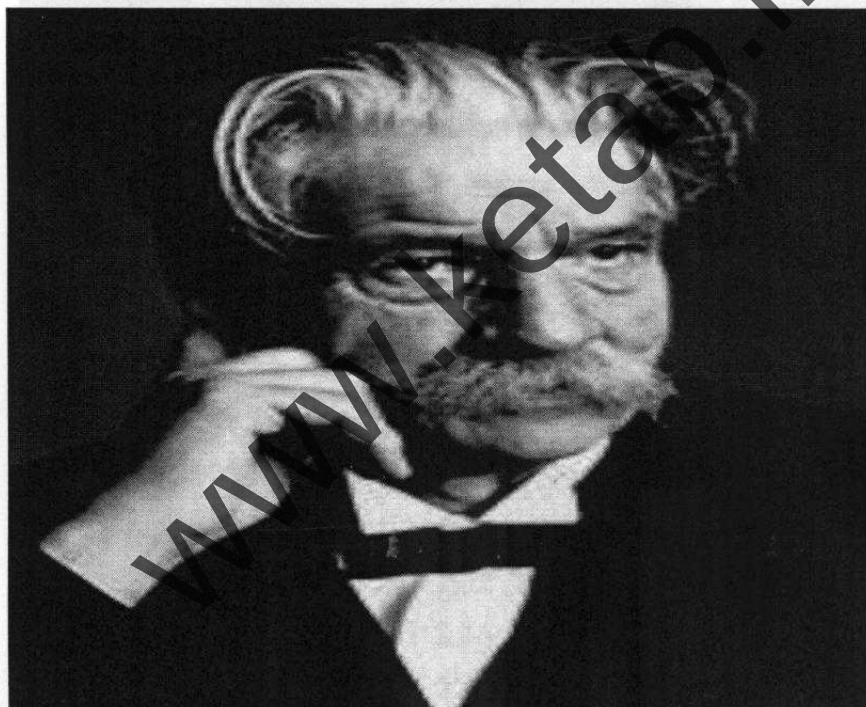
روزی نشانی خانواده ای را به او می‌دهند که چند روز غذا نخورده اند. مادر با یک کیسه برنج به آن خانه مراجعه می‌کند و کودکان قد و نیم قدی را می‌بیند که چشمانشان از گرسنگی برق می‌زند. مادر خانواده کیسه برنج را می‌گیرد، آن را دو قسمت می‌کند و از خانه خارج شده مدتی بعد بر می‌گردد. در پاسخ به سؤال مادر ترزا می‌گوید در همسایگی آنها خانواده مسلمانی زندگی می‌کنند که مدتی غذا نخورده بودند. نصف برنج را به آنها دادم. مادر ترزا از بخشش آن زن هندو نسبت به خانواده مسلمان متعجب شده می‌گوید درس بزرگی آموخته است.

مادر ترزا معتقد است هدف از آفرینش انسان محبت و دوست داشتنی است. او با تبسم مادرانه همیشگی و مهرآمیز، محبت پایان ناپذیری را به محرومان هدیه می‌کند. به پاس تلاش های بی دریغش جوایز بسیاری می‌گیرد. در سال ۱۹۷۹ نیز جایزه صلح نوبل را دریافت می‌کند. هنگام دریافت جایزه مردم عادی نروژ بیش از مبلغ جایزه صلح به او تقدیم می‌کنند تا صرف زاغه نشین ها و فرزنداناش کنند!! مادر وجوه دریافتی را هزینه بهداشتان می‌کند. او هرگز ازدواج نکرده در نهایت با همان تبسم همیشگی و با دلی آرام جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. آنچه درباره مادر ترزا نوشتم، چیزی نبود مگر یک از هزاران. این منش و شخصیت انسانی چگونه شکل می‌گیرد؟!



مادر ترزا (مادر ترسا) از هیجده سالگی در خدمت فقیرترین فقیرترین ها بود. نمونه ای دیگر: در سال ۱۸۷۵ پسری در خانواده ای الزاسی به دنیا می آید. در سنه ۱۹۰۰ دانشنامه دکتری می گیرد. چند مقاله و کتاب می نویسد. پس از شنیدن یک سخنرانی مذهبی تصمیم می گیرد به محروم ترین نقاط آفریقا رفته بیماران را به رایگان درمان کند. سختی کلاس های پزشکی را بر خود هموار کرده پزشک می شود. در ۱۹۱۳ به روسای لامبارنه رفته تمام زندگی و نیروی خود را صرف احداث بیمارستان ها و درمان بیماران شیخه پوست محروم و تهیدست می کند. در سال ۱۹۵۲ برنده جایزه صلح نوبل می شود. اما به قدری مشغول خدمت به بیماران است که نمی تواند به اسلو رفته جایزه اش را دریافت کند، لذا مراسم اعطای جایزه بدون حضور برنده برگزار می شود. او بدبختی های موجود در جهان را منشاء درد درون خود می داند. چنان با آرمان هایش یگانه می شود که زندگی نمی تواند وی را از آن جدا کند. او معتقد است: هر کس از نعمات خوب و فراوان بهره مند باشد باید به نوبه خود به همان اندازه به دیگران موهبت اعطا کند، و همه باید فشار مشکلات، رنجها

و شادی‌های زندگی را تقسیم کنند. وی در جای دیگری می گوید: «وقتی تفکر به محدودیت هایش رسیده پایش لنگ می شود، ایمان از همانجا شروع و انسان به مذهب نزدیک تر می شود.» وی همچنین معتقد است آدمیان به نسبتِ ابرمرد شدن سنگدل و بیرحم می شوند. اگر انسان از مادیات الهام گرفته باشد، نسبت به خود صادق نبوده در معرض خطاکاری خواهد بود؛ اما روح و معنویتِ شورمندانۀ خالق بشر دوستی و منشاء همهٔ پیشرفت ها به سوی اشکال متعالی وجود است. ما با الهام از بشر دوستی قادر به آفرینش سازنده هستیم. راستی این همه گذشت، ایمانِ خلل ناپذیر به نفس خدمت به محرومان چگونه حاصل می شود؟! ایمانی به شکوهمندی باور آلبرت شوایتزر.

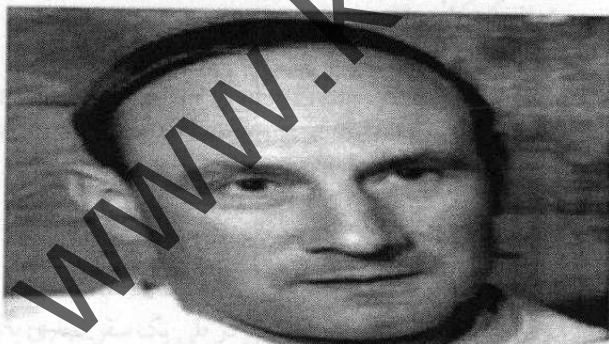


آلبرت شوایتزر، خادم مردم محروم آفریقا

انسانی دیگر : در سال ۱۹۱۰ پسری در بلژیک به دنیا می آید. وقتی چهار ساله می شود، خانواده او مجبور می شوند پیش از حمله آلمان به بلژیک در ۱۹۱۴ از کشور فرار کنند. و چهار سال در فرانسه زندگی کرده سپس به کشور خود بازگشته خانه خود را ویرانه ای می یابند.

او تحصیل می کند و نهایتاً دکترای الهیات می گیرد و در صومعه ای به تدریس می پردازد. احساس می کند تدریس او را راضی نمی کند. سازمانی تأسیس کرده به پرستاری و تغذیه هزاران کودک یتیم فرانسوی و بلژیکی مشغول می گردد. زندگیش را به اقدام برای حصول به توفیق خلق‌های جهان، از میان بردن فقر و نومیدی در میان ملل تازه استقلال یافته و تخفیف آلام آوارگان دوران پس از جنگ جهانی دوم اختصاص می دهد.

این مرد صلح به پاس خدماتش نشان شجاعت نظامی، مدال مقاومت شمشیرنشان، مدال جنگ و نشان سیاست ملی دریافت می کند. در سال ۱۹۵۸ جایزه صلح نوبل به او اعطا می شود. پس از دریافت جایزه صلح نوبل به طور متهورانه تری تلاش برای نیل به اهداف جهانش را پیگیری می نماید. کارهای آن نهضت پس از پنجم ژوئن ۱۹۵۹ با تأسیس یک سازمان رسمی معروف به «اروپا، قلب مفتوح به روی جهان» ادامه می یابد. برنامه آن موجز و ملموس است: پیوند دادن نظرات انسانی و اقدامات خاص. هدف از آن ایجاد برادری و رفاقت بین‌المللی؛ شیوه مورد استفاده «گفتگوی برادرانه» و آژانس‌های آن عبارتند از: «دانشگاه صلح»، «دوستی جهانی»، «تکفل جهانی»، و «جزایر صلح». ... چه عاملی سبب انجام این همه خدمات باورنکردنی می شود؟!



دومینک رزیر، بنیانگذار دفتر صلح، دوستی جهانی، تکفل جهانی و جزایر صلح

آنچه به اشارتی تقدیم شد فقط و فقط مجملی از حیات انسان‌هایی بود که در اثر ایمان به آفریدگار و آفریده هایش، بشریت و باور قلبی و صادقانه به خدمت به هم‌نوع به چنان رضایت‌خاطری دست یافته، چنان مزه دل‌انگیزی چشیدند که هر کس لختی از حلاوت آن را احساس کرده باشد، مانند آنان کمر همت به خدمت خلق خدا خواهد بست. آری اینان لذت ناب خدمت

به بیچارگان، درماندگان و پناه جویان و در یک کلام نیازمندان را چشیده به انسان های نمونه ای تبدیل شدند و ابنای بشر در همیشه تاریخ، اعم از معاصرین و نسل های آینده به آنان افتخار می کنند و خواهند کرد. می توان به طور یقین مدعی شد تقریباً همه افراد برگزیده برای درج نقد و حدیث زندگی و خدمات آنان در این مجلدات به بیت زیر از خواجه شمس الدین حافظ شیرازی اعتقاد قلبی داشتند که :

درخت دوستی نشان که کام دل ببار آرد نهال دشمنی برکن که بخریش آرد

در مجلد چهارم مجموعه حاضر بسیاری از این افراد در کنار هم قرار گرفته، سرگشت دل انگیز و عبرت آموز آنان به پارسی زبانان کشور عزیزمان ایران، بویژه جوانان تقدیم شد تا شاید در مسیر اثری نیکان عالم گام نهند، از حلاوت بی مثال دستگیری از هموطنان و گرم گشایی از کار فروبسته مردمان جرعه ای سرکشند و تا ابد سرمست خدمت به نیازمندان باشند، ان شاء الله. برگ سبزی است تحفه درویش.
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

علی شمس، مهماه ۱۳۱۳ هجری خورشیدی.